

## **Developments of the world order with emphasis on the role of social networks and Iran's position in the geometry of the new world order**

**Hossein Ebrahimi<sup>1</sup>**

*Doctoral student, Criminalistics, Amin University of Law Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author)*

**Abstract:** *Globalization and the new world order is a complex process with ups and downs that has continued to evolve over time and has become the most common concepts of humanities in the focus of researchers in various fields today. The limitation of the world order to time and the formation of its different periods with a short history are caused by the lack of morality, the lack of global consensus on the concept of the new order, the lack of adherence to commitments, etc. So far, the new world order has often used war and military power in the path of evolution to achieve its goals, and it was successful in the economic dimension and international relations at first, but it is gradually trying to penetrate other dimensions by using information technology while expanding military power. to do The emergence of social networks as a key component with the capability of two-way communication and reality over time will take over the soft power of the new world order. In this period of history, the world order is ready to form a new structure based on evolution, dynamics and various components. Iran, after the Islamic revolution, by changing its symbols and strategies for the new world order, due to having outstanding characteristics such as intelligent and talented human resources, sensitive and privileged geographical location, high governmental and civilizational logic, etc., can occupy a prominent position. provide for himself in the new world order and stabilize it in the following periods.*

**Keywords:** *New world order, social network, globalization, transformation, geometry.*

---

<sup>1</sup> Email: hossein.abraheim@gmail.com (Corresponding Author)

## تحولات نظم جهانی با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی و جایگاه ایران در هندسه نظم نوین جهانی

حسین ابراهیمی<sup>۱\*</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

### چکیده

جهانی شدن و نظم نوین جهانی فرآیندی پیچیده، همراه با فراز و نشیب‌هایی است که در گذر زمان به تحول خود ادامه داده و امروزه در کانون توجه پژوهشگران زمینه‌های مختلف، به رایج‌ترین مفاهیم علوم انسانی تبدیل شده است. محدود شدن نظم جهانی به زمان و تشکیل دوره‌های مختلف آن با قدمت کوتاه ناشی از عدم حاکمیت اخلاق، عدم اجماع جهانی بر مفهوم نظم نوین، عدم پایبندی به تعهدات، و... می‌باشد. نظم نوین جهانی تاکنون در مسیر تکامل برای تحقق اهداف خود اغلب از جنگ و قدرت نظامی بهره برده و ابتدا در بعد اقتصادی و روابط بین‌الملل موفق بوده ولی کم‌کم تلاش می‌کند با استفاده از سایر علوم ضمن گسترش قدرت نظامی به سایر ابعاد ورود نماید. ظهور شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک مهره کلیدی با قابلیت ارتباطی دو طرفه و واقعیت‌سازی به مرور زمان، قدرت نرم نظم نوین جهانی را در اختیار می‌گیرد. در این برهه از تاریخ، نظم جهانی بر پایه‌ی تحول، پویایی و مولفه‌های مختلف آماده شکل‌گیری ساختار جدیدی را دارد. ایران بعد از انقلاب اسلامی با تغییر نمادها و راهبردهای خود برای نظم نوین جهانی به علت برخورداری از خصوصیات برجسته‌ای همچون نیروی انسانی با هوش و با استعداد، موقعیت جغرافیایی حساس و ممتاز، منطق والای حکومتی و تمدنی و... می‌تواند جایگاه برجسته‌ای در نظم جدید جهانی برای خود فراهم و در دوره‌های بعد آن را تثبیت نماید.

**واژگان کلیدی:** نظم نوین جهانی، شبکه اجتماعی، جهانی شدن، تحول، هندسه.

### مقدمه

جهان مانند موجود زنده‌ای دائماً در حال دگرگونی و تحول می‌باشد و مسیر حرکت خود را به سمت و سوی تکامل و پویایی می‌پیماید. در این میان عناصر و عواملی وجود دارند که مرتب شرایط و زمینه‌ی این دگرگونی‌ها را به طور مساعد فراهم می‌سازند. امروزه نظم نوین جهانی یا به عبارت صحیح‌تر نظام نوین جهانی، مسئله‌ای است که به خاطر ایجاد تحولاتی شگرف در صحنه‌ی بین‌المللی، ذهن افراد صاحب نظر جهان را به خود مشغول نموده است. اثرهای این تحولات عمده را می‌توان همراه با گذشت زمان در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار داد. محورهای عمده و موثر این موضوع به طور خلاصه عبارتند

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، رشته جرم‌پایی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

از : کشورها، مکاتب، ملت ها، دولت ها و نیروهای نظامی و غیره می باشد. نکته ی حائز اهمیت چگونگی مدیریت و رهبری این نظام جدید با توجه به تحولات رخ داده می باشد.

بعد از قرن بیستم عنوان های قرن اتم، قرن فضا، قرن اطلاعات، قرن ارتباطات و ... مطرح گردید. انسان توانایی ساخت رایانه و ماهواره را فرا گرفت تا به راحتی صدا و تصویر را از هر گوشه به جهانیان برساند. فناوری اطلاعات و ارتباطات، ابزارهای دست یابی به ارتباطات سریع و جدید را به چنگ آورده است. مهمتر از آن، ویژگی فضای مجازی یعنی در هم شکستن مرزهای جغرافیایی بر اثر انقلاب اطلاعاتی، جهان را به نوعی در معرض نظم جدیدی قرار داده است. اما پرسش این است که تغییر در وضعیت سیاسی و ژئوپلیتیک فعلی جهان بیانگر تحول و شکل گیری نظم جدیدی خواهد شد یا خیر؟ احتمال تشکیل ساختار جدید کشورهای جهان را بر آن داشته که در آینده پیش رو سعی کنند جایگاهی برای خود در شکل گیری جدید جهانی به دست آورند. کمبود و یا وجود چه عواملی باعث شده نظم جهانی نتواند به یک اجماع کلی در بین کشورهای جهان برسد. معیار تغییر و تحول در نظم نوین جهانی بر مبنای مستندات تاریخی و حاضر چیست. ظهور شبکه های اجتماعی چه نقشی در این تحولات دارد و نهایتاً این که ایران کجای این نظم نوین جهانی قرار می گیرد و از چه جایگاهی برخوردار است.

هدف این مقاله تبیین تحولات نظم جهانی، نقش شبکه های اجتماعی و جایگاه ایران در نظم نوین جهانی می باشد. و مبتنی بر این فرض است که تحول و پویایی نظم نوین جهانی با گذشت زمان منجر به تغییر ساختار آن می شود.

رحمان زاده، سید علی (۱۳۸۹) در پژوهش خود کارکردهای شبکه های اجتماعی در عصر جهانی شدن را بررسی نموده، متقی، ابراهیم و رضایی، علیرضا (۱۳۸۸) در مورد تبیین مبنای تئوریک تحلیل نظم جهانی در دوران پسا جنگ سرد تحقیق کرده و فولاد فر، پویان (۱۳۹۹) پژوهشی در خصوص آینده شبکه های اجتماعی انجام داده است. مذاقه در این تحقیقات و سایر منابع علمی مرتبط با پیشینه تحقیق موید این مطلب است که پژوهش های قبلی جایگاه و نقش شبکه های اجتماعی در تحولات نظم نوین جهانی را مطالعه نکرده یا اینکه به صورت تک بعدی به موضوع نگاه کرده و جنگ های نوین (جنگ ترکیبی و شناختی) به عنوان یکی از عناصر حاکم بر تغییر هندسه جهانی که شبکه های اجتماعی و رسانه ها را به ابزار و سلاح قدرتمند توسعه اجتماعی در راستای تحولات نظم جهانی تبدیل نموده نادیده گرفته اند.

ضرورت این پژوهش در سه عامل قابل بیان است: نخست، تحول تاریخی و تئوریک در مطالعات جهانی و تبیین تغییر نسبی مفاهیم در پی تحولات اخیر دنیا. دوم، لزوم توجه به شبکه های اجتماعی که امروزه به عنصر مهمی در تغییرات حوزه های مختلف داخل و خارج از کشورها تبدیل شده و به تبع آن در شکل گیری نظم جهانی نیز موثر است. و سوم، شناخت و ارزیابی جایگاه ایران در تحولات نظم نوین جهانی.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر روش توصیفی - تحلیلی را مبنای کار خود قرار می دهد، زیرا تحولات در نظم نوین جهانی با تأکید بر نقش شبکه های اجتماعی و جایگاه ایران را مورد توصیف و تحلیل قرار می دهد. شیوه تحلیل نیز کیفی است که بر اساس آن اطلاعات جمع آوری شده است.

## تعاریف، مفاهیم و نظریه های نظم نوین جهانی

### معنای لغوی جهانی شدن

به طور کلی ریشه و مبنای جهانی شدن به جهان که ترجمه لغت Globe است برمی گردد. این اصطلاح در اصل به معنی کره یا سطح فراگیر یک جسم کروی است و برای کلیت فراگیر و به هم پیوسته جهان بشری به کار میرود، زمانی که تمامی جهان به

عنوان پدیده یگانه‌ای شناخته می‌ترجمه می‌شود. و می‌توان آن را به مثابه یک کل یا یک موجود به هم پیوسته دید. پسوند Globalization به کار می‌رود که یک فرآیند و دگرگونی اساسی در حال انجام است. به همین دلیل نیز Globalization به جهانی شدن ترجمه می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۴: ۳).

### تعاریف جهانی شدن

تعریفی واحد و مورد اجماع از جهانی شدن وجود ندارد. بنابراین به رغم اشتراک نظر در شرایط و فضای کنونی و تحولات همه جانبه سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهانی، برای جهانی شدن تعریف واحدی نشده است. نکته‌ای که در مورد تعریف این مفهوم اهمیت دارد، زاویه دید پژوهشگران به این مقوله است. (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۵) تعاریف مختلف را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد: الف- تعریف جهانی شدن از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ب- تعریف جهانی شدن از منظر سیاست بین‌الملل. ج- تعریف جهانی شدن با عنایت به فرهنگ‌ها و تمدن بشری و...؛ البته طبقه‌بندی مذکور به معنای تفکیک کامل ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در بحث جهانی شدن نیست، زیرا در دنیای کنونی حوزه‌های سه گانه یاد شده آن چنان در هم تنیده و به هم متصل اند که در عمل امکان تفکیک را با مشکل مواجه می‌سازند. این امر بدان معناست که پدیده جهانی شدن را نمی‌توان به عنوان مقوله تک بعدی مورد مطالعه قرار داد. (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۶) «بارتسلون»<sup>۱</sup> جهانی شدن را انتقال<sup>۲</sup>، دگرگونی<sup>۳</sup> و استعلاء<sup>۴</sup> تعریف می‌کند. (قره باغیان، ۱۳۷۶: ۴۱۲) آمانوئل کاستل<sup>۵</sup> با اشاره به عصر اطلاعات<sup>۶</sup> جهان‌گرایی را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه داری اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد. (Castelle, 1998) ویلیامز: افزایش روابط اجتماعی در سراسر جهان در فرآیند جهانی شدن می‌داند. (ویلیامز، ۱۳۷۹)

### مفاهیم جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن و نظم نوین جهانی در گذر زمان دارای دو بعد قدیم و جدید است. اگر جهانی شدن را مفهومی آرمانی، انتزاعی، به معنای عدالت جهانی و گسترش حقوق بشر بدانیم، این مفهوم توسط پیامبران و ادیان مختلف بازگو شده و از طرفی پیگیری دیدگاه جهانی شدن در میان نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان امروزی نیز قابل ریشه‌یابی است. جهانی شدن در مفهوم فعلی آن، با توجه به تعاریف ارائه شده و ایجاد تحولات عمیق در عرصه‌های گوناگون از زمان فروپاشی کمونیسم و نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد سرچشمه گرفته که در مبحث مربوطه به بررسی آن می‌پردازیم.

«نظم نوین جهانی» در ظاهر به «نظم» تعبیر می‌شود. ولی مفهوم و واقعیت نظم جهانی حاکی از نوعی نظم انضباط، ترتیب، ترکیب، صلح و آرامش بین‌المللی بین کشورها است. نظم‌های بین‌المللی متعددی ظهور و افول داشته‌اند و «جنگ» مهم‌ترین عامل در تغییر هندسه‌ی نظم‌های جهانی در طول تاریخ بوده است. جهانی شدن عبارت است از فرآیند در هم فشردگی زمان و مکان (فضا) که در نتیجه آن انسان‌های دنیا به صورتی نسبتاً آگاهانه، در جامعه واحد جهانی ادغام می‌شوند. در نتیجه آن بسیاری از محدودیت‌های جغرافیایی، سیاسی و ترتیب‌های اجتماعی و فرهنگی از بین می‌روند یا کاهش می‌یابند. (شهرام نیا، ۱۳۸۶: ۴۶)

### نظریه‌های نظم جهانی

نظریه‌های نظم جهانی به سه نسل تقسیم بندی که برخی را برشمرده و به اختصار بررسی می‌نماییم.

<sup>1</sup> Bartsellon.

<sup>2</sup> Transformation

<sup>3</sup> chenge

<sup>4</sup> Transcendence

<sup>5</sup> Manuel Castells

<sup>6</sup> The information age

## نسل اول

«سن سیمون»<sup>۱</sup>، جامعه‌شناس فرانسوی برجیده شدن مرزهای ملی را آرزو می‌کرد، او عقیده داشت به واسطه‌ی عملکرد نیروهای جهانی‌ساز و همگونی آفرین، حد و مرزهای سیاسی - فرهنگی بیش از پیش تضعیف شده و جامعه‌ای جهانی شکل خواهد گرفت. دو نیرو یا عاملی که از دیدگاه سن سیمون در فرایند جهانی شدن مؤثرند، صنعتی شدن و علم‌الاجتماع است (Holton, 1998:22) «آگوست کنت»<sup>۲</sup>، شاگرد سن سیمون، که به فرایند پیشرفت بشر علاقه‌مند بود، همگونی و همبستگی فزاینده و سرانجام شکل‌گیری یک جامعه‌ی جهانی را در گرو پشت سر گذاشتن «مراحل سه‌گانه» می‌دانست. کنت بر این باور بود که همه‌ی جوامع سرانجام از مرحله‌ی خداشناختی و مرحله‌ی ما بعد طبیعی عبور کرده، به مرحله‌ی اثباتی خواهند رسید. مرحله‌ی اثباتی که پیشرفته‌ترین مرحله‌ی تکامل بشر است «تحت سلطه‌ی مدیران صنعتی و هدایت اخلاقی دانشمندان خواهد بود». برخلاف مرحله‌ی نخست که «خانواده واحد اجتماعی الگو را می‌سازد» و دومین مرحله که «دولت اهمیت اجتماعی پیدا می‌کند»، در «سومین مرحله، کل نوع بشر واحد اجتماعی اصلی خواهد بود». (گل محمدی، ۱۳۸۶:۳۲) سن سیمون و آگوست کنت ریشه‌ی فرایند جهانی شدن و شکل‌گیری جامعه‌ی جهانی را در علم، صنعت و تحول ذهنی بشر جستجو می‌کردند.

## نسل دوم

الف - نظریه‌های اجتماعی:

از دیدگاه «پارسنز»<sup>۳</sup> جوامع در فرآیند نوسازی همواره دگرگون می‌شوند و انفکاک ساختاری فزاینده‌ی آنها را در بر می‌گیرد. ولی این دگرگونی اجتماعی جهتی نسبتاً ثابت و معین دارد و از منطبق واحدی پیروی می‌کند. منطق مورد نظر عبارت است از انطباق یا قابلیت یک نظام زنده برای سازگار شدن با محیط خود، بنابراین اگر جوامع در مسیر تحول مشترکی حرکت کنند همانند تر در یکدیگر ادغام خواهند شد. این همان فرآیند جهانی شدن است. (Waters, 1995)

«دانیل بل»<sup>۴</sup> نظریه‌پرداز دیگری است که از چنین دیدگاهی به فرآیند یکپارچه و همبستگی جوامع می‌پردازد. و رسیدن به چنین نظامی را سرنوشت گریزناپذیر همه جوامع می‌دانست. جامعه‌ی نو پدید می‌آید که بل شکل‌گیری آن را بشارت می‌داد، «جامعه‌ی اطلاعات محور» بود. او با معیار قرار دادن فن‌آوری، جوامع را به سه نوع جامعه‌ی کشاورزی، جامعه‌ی صنعتی و جامعه‌ی اطلاعات محور تقسیم می‌کند. در جامعه‌ی اطلاعات محور که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته و گسترش یافته است اطلاعات فن‌آوری شاخص به شمار می‌آید، در حالی که مواد خام و انرژی به ترتیب فن‌آوری‌های محوری جامعه‌ی کشاورزی و جامعه‌ی صنعتی بودند. در این جامعه‌ی اطلاعات محور مابعد صنعتی، نیروی کار بیش از پیش از بخش‌های کشاورزی و صنعت به بخش خدمات روی می‌آورد؛ دانش (از جمله دانش نظری و فنون روش‌شناختی) اهمیتی فزاینده می‌یابد و مدیران و افراد حرفه‌ای به جایگاه مهم‌تری دست می‌یابند (Dutton, 1999) پس فن‌آوری‌های فکری برای تولید خدمات، موجب همسانی و همگرایی در سطح جهان می‌شود.

ب - نظریه‌های سیاسی:

«برتن»<sup>۱</sup> مطالعه‌ی جامعه‌ی جهانی را به جای روابط بین‌الملل، پیشنهاد داده است. اگرچه از دیدگاه برتن لزوم تغییر سطح تحلیل، گواهی است بر فرایند گسترده و پرشتاب جهانی شدن، اما هنوز هم مهم‌ترین عنصر تشکیل دهنده‌ی آن جامعه، دولت‌ها و روابط میان آنها می‌باشد که در قالب مجموعه‌ای از شبکه‌های ارتباطی فراملی نمود پیدا می‌کند. (گل محمدی ۱۳۸۶:۴۱)

<sup>1</sup> Claude Henri Saint-Simon

<sup>2</sup> Auguste Conte

<sup>3</sup> Parsons

<sup>4</sup> Daniel Bell

د- نظریه‌های فرهنگی:

مک لوهان: لوهان برجسته‌ترین نظریه پرداز این دسته است. از نظر او رشد رسانه‌های الکترونیک به موازات دیگر جنبه‌های ارتباطی، سبب شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی جهانی شده است که موجب جهانی شدن فرهنگ می‌شود. (شهرام نیا، ۱۳۸۶: ۶۹) از دید مک لوهان درک فرایند جهانی شدن جز با شناخت جایگاه رسانه‌های دربرگیرنده فناوری‌های ترابری و اطلاعات میسر نمی‌شود. (آشفته تهرانی، ۱۳۸۷: ۶۷)

ج- نظریه‌های اقتصادی:

«والرشتاین»<sup>۱</sup>، اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را بستر اجتماعی جهانی می‌داند که همه‌ی دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی، از جمله سیاست و فرهنگ، را تعیین می‌کند. امروزه با اینکه جهان به ده‌ها واحد سیاسی متمایز تقسیم شده است، می‌توان از یک نظام اجتماعی جهانی یا یک جامعه‌ی جهانی سخن گفت، چرا که عنصر تشکیل دهنده‌ی یک نظام اجتماعی مبادله‌ی کالایی است و این مبادله به واسطه‌ی تقسیم کار بین‌المللی، جهانی شده است. در واقع دنیا یکی از پیشرفته‌ترین مراحل فرایند جهانی شدن را تجربه می‌کند.

### نسل سوم

«آنتونی گیدنز»<sup>۲</sup> جهانی شدن را حاصل برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان دانسته که به واسطه‌ی جدایی فضا و زمان از مکان پدید می‌آید. این فضا و زمان جدا شده از مکان، در گستره‌ای نامتناهی با یکدیگر ترکیب و هماهنگ شده، امکان کنش و روابط اجتماعی را در جامعه‌ای بسیار بزرگتر فراهم می‌کند. بنابراین گستره‌ی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اجتماعی هم بسیار فراخ‌تر شده، جامعه‌ای جهانی شکل می‌گیرد و جهانی شدن معطوف به انواع پیوند و رابطه‌ی فرد با این جامعه جهانی است. (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۴۸)

### شبکه‌های اجتماعی و نظم نوین جهانی

#### شبکه اجتماعی<sup>۳</sup>

هر اجتماعی که برای هدف خاصی تشکیل شود، یک شبکه اجتماعی می‌باشد. قدمت شبکه‌های اجتماعی، به طول تاریخ بشریت است. به نوعی، اولین شبکه اجتماعی را می‌توان جمع خانواده در نظر گرفت. مطالعه‌ی علمی و ساختار یافته‌ی این شبکه‌ها، از سال ۱۹۵۴ آغاز و اصطلاح شبکه اجتماعی برای نخستین بار توسط «جان بارنز» که در حوزه‌ی انسان‌شناسی اجتماعی فعالیت می‌کرد، ارائه شد. او تحقیقی در مورد گروه‌های اجتماعی در بخشی از نروژ انجام می‌داد و اصطلاح شبکه اجتماعی را در آن تحقیق برای توصیف رابطه بین انسان‌ها و تحلیل مکانیزم‌های ارتباطی و خصوصاً تصمیم‌گیری آنها به کار برد.

#### شبکه اجتماعی مجازی

شبکه‌های اجتماعی مجازی زمانی به وجود آمد که جهان قدم به دنیای جدیدی تحت عنوان وب گذاشت. ابتدا «وب ۱»، دنیای اطلاعات را در فواصل زمانی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ متحول ساخت و با ایجاد دسترسی همگانی به اطلاعات مختلف بدون هیچ گونه محدودیتی، در دنیای فیزیکی انقلابی شگرف در زمینه دسترسی به اطلاعات و پیشرفت علم ایجاد کرد و پس از آن «وب ۲» و

<sup>1</sup> Wallerstein

<sup>2</sup> Anthony Glidenz.

<sup>3</sup> social networks

وب سایت های دوسویه و شبکه های اجتماعی مجازی از سال ۲۰۰۰ تاکنون دنیای ارتباطات را چنان متحول نموده که تصور جهانی شدن بدون رسانه ها و به ویژه شبکه های اجتماعی مجازی، محال به نظر می رسد.

شبکه های اجتماعی مجازی در عصر حاضر یکی از مهمترین مولفه های تحول در نظام های مختلف کشورهای جهان به وجود آورده اند که ابزار مهمی برای قدرت نرم در نظم نوین جهانی به شمار می رود. به دلیل رشد روزافزون تعداد اعضا و بعد تأثیرگذاری بر فضای واقعی، اهمیت این شبکه ها دو چندان شده و به پدیده جهانی تبدیل شده است.

### ارتباط شبکه های اجتماعی مجازی با جهانی شدن

پیشرفت روز افزون و حیرت آور وسایل ارتباط جمعی در جهان و امکان دستیابی به تازه ترین خبرها، گزارش های نوشتاری، شنیداری و دیداری از دورترین مناطق جهان و استفاده بهینه از رسانه ها و ابررسانه ها، این وسایل ارتباطی را به عنوان بسترساز تحقق شتابان و بی وقفه پروسه جهانی شدن پدیدار نموده است. در عرصه های مختلف، وسایل ارتباط جمعی نقش غیرقابل انکار و مؤثری دارد. از بسیج عمومی و جهت دهی افکار جمعی تا کمک به شیوه های حکومت داری، نظارت بر عملکرد و کارکردهای آرمان های دولتی، تقویت نهادهای مدنی، ترغیب شهروندان به مشارکت گسترده ملی، تحریک احساسات ملی و سیاسی جامعه و...

شبکه های اجتماعی مجازی یکی از ویژگی های بارز جهانی شدن است. پدیده جهانی شدن به پیدایش مرحله تازه ای در تمدن انسان رسیده که، تمدن های مختلف را کنار هم در بطن خود قرار داده است. دهکده جهانی و گسترش رسانه های نوین و واقعیت جهانی شدن به معنای این است که پیشرفتی که انقلاب علمی و صنعتی به ویژه در گستره ارتباطات بدان دست یافته، مجال را برای پیدایش نیروها، نهادها و شبکه هایی با ماهیت و ابعادی جهانی هر لحظه، بیشتر و بیشتر باز می کند. در نتیجه چالش های بسیاری در گستره جهانی مطرح که حل آنها بدون نظم جهانی و فراگیر ممکن نیست. به عبارت دیگر مشکلات جهانی، سیاست ها و راهبردها و طرح های جهانی را طلب می کند و این خود به معنای پدیدار شدن فرصت ها و مساعد شدن زمینه ها برای تحقق و پیاده سازی فرآیند جهانی شدن با کمک شبکه های اجتماعی می باشد.

انتشار پرشتاب اینترنت، ماهواره و فناوری های دیجیتال، ارتباط همزمان میان بخش های وسیعی از جهان را ممکن ساخته است. در نتیجه بسیاری از کنترل های ملی اطلاعات بی اثر شده اند. امروزه نقش رسانه ها و میزان نفوذ آنها در ساختار سیاسی جوامع بر کسی پوشیده نیست. برخی از نظریه پردازان ارتباطات معتقدند که امروز جهان در دست کسی است که رسانه ها را در اختیار دارد. نقش عمده رسانه ها در شکل دهی به افکار عمومی و جهانی شدن باعث شده که اهمیت رسانه ها تا این حد مورد توجه قرار گیرد. شبکه های اجتماعی مجازی یکی از منابع قدرت نرم در فرآیند جهانی شدن است. جنس قدرت نرم در نظم نوین جهانی از نوع اقناع و هدف آن تأثیرگذاری بر عرصه های گوناگون در سطح جهانی می باشد. وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز جهان های ذهنی و غیر واقعی را به دنیا مخابره می کنند. آنها در اهداف خود به انتقال واقعیت فکر نمی کنند، بلکه واقعیت ها را می سازند.

### تحولات نظم نوین جهانی

کاربرد واژه جهانی در ادبیات سیاسی دارای قدمت طولانی است، اما اصطلاح جهانی شدن، جهانی سازی و جهان گرایی قدمت چندانی ندارد و پس از حدود سال ۱۹۶۰ میلادی رواج عام یافت. کاربرد مفهوم به شکل امروزی به دهه هشتاد باز می گردد. لغت نامه آکسفورد آن را جزء واژه های جدیدی می داند که به تأثیر پذیری از نظریه دهکده جهانی مک لوهان در کتاب اکتشافات و ارتباطات مطرح شد. (سجادی، ۱۹:۱۳۸۳)

اگر سیاست را قلمرو روابط مرتبط با توزیع قدرت بدانیم، بلافاصله پس از تشکیل دولت ها، تلاش آنها بر اعمال قدرت بر همدیگر، حذف دولت های ضعیف تر و قدرت گرفتن پاره ای دیگر و زنجیره اوج و افول قدرت های مختلف آغاز می شود. تاریخ

این اوج و افول‌ها را می‌توان به هزاره دوم پیش از میلاد رساند، جایی که شاهد اوج‌گیری و سقوط دولت‌های بابل، آشور، مصر هستیم، بعدها با ظهور امپراتوری‌های بزرگی چون امپراتوری ایران و در پی آن اسکندر و جانشینان او، روم، ساسانیان، خلافت اموی، عباسی و بعدها قدرت‌های اروپایی مفهوم جدیدی به معنای موازنه قدرت میان امپراتوری‌های بزرگ مطرح شد. در دو قرن اخیر به نوعی شاهد تبدیل نظم اروپایی (حاصل از توازن قوا میان قدرت‌های اروپایی) به نظم جهانی (سیطره قدرت‌های اروپایی و غربی بر جهان و تعریف نظم جهانی بر مبنای توازن قدرت میان خود) هستیم. در این گفتار جهت تبیین نظم نوین جهانی مراحل تاریخی و تحولات مبنای تشکیل نظم نوین جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا کلیه ابعاد ترسیم آینده نظم جهانی از طریق تحلیل‌های مفهومی، تاریخی و ... مرتبط با موضوع تحقیق میسر گردد.

### پایان رنسانس<sup>۱</sup> از صلح وستفالی<sup>۲</sup> تا پایان جنگ‌های هفت‌ساله

نظم بین‌المللی جهانی در مفهوم کنونی آن به‌عنوان نظامی از روابط، ایده‌ها و مبانی رابطه بین دولت‌ها در سطح جهان تعریف می‌شود و از نظر تاریخی در قرن شانزدهم و با برقراری روابط دیپلماتیک میان قدرت‌های اروپایی و پی‌ریزی اولیه نظام «قدرت‌های بزرگ» در اروپا شروع به شکل‌گیری کرد. نمونه اولیه اصول حقوقی نظام روابط بین‌الملل را می‌توان در صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ دید، صلحی که به جنگ‌های ویرانگر ۳۰ ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸) در اروپای مرکزی پایان داد. با این‌حال نزدیک به دو قرن طول کشیده بود تا این اصول شکل بگیرد. مفهوم حاکمیت در نتیجه صلح وستفالی رفته‌رفته به عنوان یک نقطه محوری در سیاست داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفت و پس از انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم به عنوان مبنای اصلی نظام روابط بین‌الملل قرار گرفت. جنگ ۳۰ ساله خود میراث جنگ‌های مذهبی در اروپای قرن شانزدهم بود، اما درعین‌حال، دو اصل جدید در سیاست خارجی را مطرح کرد که بعداً به شکل گسترده از سوی سیاستمداران به کار گرفته شد این دو اصل عبارت‌اند از: حفظ «توازن قدرت» بین‌المللی از طریق حمایت از ائتلاف ضعیف‌تر در برابر ائتلاف قوی‌تر و اولویت منافع ملی بر سایر منافع (مذهبی، سیاسی و ...). این اصول در چارچوب روابط بین‌الملل، محور اصلی درک الگوی روابط اروپایی و جهانی و نظم حاصل از آن است. کاربرد این اصول در سیاست خارجی برخی از کشورها (مانند فرانسه و بعداً بریتانیا) با هدف ایجاد شماری از اتحادهای نظامی سیاسی به آن‌ها امکان داد تا تعادل را به نفع خود حفظ و کنترل کنند.

### پایان جنگ‌های هفت‌ساله تا انقلاب فرانسه

اگرچه توازن قوا پس از صلح وستفالی مورد توجه بسیار قرار گرفت با این حال این مفهوم را می‌توان محور نظم جهانی جدید پس از جنگ‌های هفت‌ساله (۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳) دانست. تلاش قدرت‌های اروپایی برای توسعه و افزایش حداکثری منافع ملی خود و همچنین توسعه استعمار، برخورد میان این قدرت‌ها را ناگزیر ساخت. سرانجام در جنگی میان قدرت‌های آن روز اروپا یعنی پروس، فرانسه، اتریش، روسیه و بریتانیا وضعیت جدیدی شکل گرفت، وضعیتی که بریتانیا را به یک قدرت جهانی و پروس را به یک قدرت مهم اروپایی بدل ساخت. از سویی فرانسه بخش مهمی از قدرت خود در اروپا و مستعمره‌های خود در هند و آمریکایی شمالی را دست داد. مهم‌ترین ویژگی نظم این دوران را می‌توان توازن قوا دانست. با این حال پیامدهای این جنگ از نظر مالی برای دو قدرت مهم آن زمان یعنی فرانسه و بریتانیا به اندازه‌ای سنگین بود که منجر به دو انقلاب مهم تاریخ مدرن یعنی انقلاب فرانسه و آمریکا (آمریکای شمالی) شد.

<sup>۱</sup> عصر رنسانس از پایان قرن پانزدهم شروع و تا نیمه اول قرن شانزدهم ادامه داشت.

<sup>۲</sup> معاهدات وستفالی، معاهدات صلحی است که اکتبر ۱۶۴۸ منعقد گردید و به جنگ‌های وحشیانه و خونین سی‌ساله‌ی مذهبی میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها خاتمه داد. این معاهدات در دو شهر از ایالات وستفالی به نام‌های مونستر و اوزنابورگ انعقاد یافت از نظر حقوقی، هر دو معاهده سند واحدی است و سرآغاز تکامل جامعه‌ی بین‌المللی در عصر خود محسوب می‌شود.



### انقلاب فرانسه تا کنگره وین

انقلاب فرانسه و در پی آن ظهور ناپلئون به طور کلی نظم شکل گرفته پس از جنگ های هفت ساله را دگرگون ساخت. نظمی که پیش از انقلاب فرانسه (سال ۱۷۸۹) وجود داشت، کمتر از ۳۰ سال طول کشید. پس از جنگ هفت ساله (بعد از سال ۱۷۶۳) ایجاد و در سال ۱۷۹۰-۱۷۹۱ نابود شد. انقلاب فرانسه (در اواخر قرن هجدهم) باعث بحران ایدئولوژیک جدیدی شد. قدرت روزافزون فرانسه در دوران ناپلئون و سیطره او بر اروپا و تلاش برای در هم کوبیدن روسیه، منجر به اتحاد قدرت های اروپایی برای مهار خطر فرانسه شد، در این دوران نیز اگر چه اساس نظم جهانی همچنان مفهوم توازن قوا بود با این حال تلاش برای حفظ نهادهای موجود به ویژه نهاد سلطنت نیز از دیگر محورهای این دوره از نظم جهانی بود. روسیه، اتریش، پروس و بریتانیا پس از اتحاد با همدیگر و شکست ناپلئون در کنگره وین گرد هم آمدند و در پیمانی آسایش اروپا را بسته به حفظ نظم موجود بر اساس قدرت سلاطین و قوانین اساسی دانستند. با این حال شیوه تصمیم گیری در این کنگره یعنی اتفاق آرا و اهمیت منافع ملی برای هر قدرت منجر به فروپاشی این نظم جهانی در جنگ کریمه<sup>۱</sup> شد. نظمی که پس از جنگ های ناپلئونی و کنگره وین ایجاد شد، در اثر انقلاب های سال ۱۸۴۸-۱۸۴۹ و جنگ کریمه از بین رفت و عمری کمتر از ۳۵ سال داشت.

### تشکیل امپراتوری آلمان تا جنگ جهانی اول

اهمیت منافع ملی ناگزیر منجر به تمرکز بر مفهوم ملت به عنوان رکن اصلی قدرت در کشورهای اروپایی شد، فرانسه و بریتانیا پیش تر در توسعه و یکپارچگی ملی خود کوشیده بودند، اما پروس و به طور کلی سرزمین های آلمانی نشین که مرکب از حکومت های متعددی بود همچنان از این منظر پراکنده می نمود، سرانجام با تلاش های بیسمارک صدراعظم پروس امپراتوری آلمان تشکیل و به قدرتمندترین کشور اروپایی از نظر نظامی و صنعتی تبدیل شد. این موضوع به طور مستقیم توازن قوا در اروپا را به هم زد و در نتیجه جنگ های بسیار سرانجام موقعیت امپراتوری آلمان به عنوان قدرت برتر اروپا به رسمیت شناخته شد. این وضعیت منجر به توسعه مستعمرات آلمان در آفریقا، تلاش برای شکل گیری ائتلاف هایی در مقابله با قدرت روزافزون آلمان و همچنین ظهور نهضت های مختلف ملی و انقلابی منجر شد. وضعیتی که در نهایت به جنگ جهانی اول، انقلاب اکتبر و شکل گیری نظم جهانی جدیدی با توجه به وضعیت حاصل شده از توازن میان قدرت های مختلف انجامید. سیستم بعدی نظم جهانی پس از ظهور امپراتوری آلمان (۱۸۷۱) شروع به شکل گیری کرد، در اوایل دهه ۱۸۹۰ شکوفا شد و در جنگ جهانی اول ویران شد، بنابراین کمتر از دو دهه دوام آورد.

### تشکیل جامعه ملل تا جنگ جهانی دوم

پس از جنگ جهانی اول و تشکیل جامعه ملل، وودرو ویلسون<sup>۲</sup> رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا اصطلاح نظم نوین جهانی را برای وضعیت نوینی از جهان توصیف کرد که با محوریت جامعه ملل، نظامی را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ایجاد می کند. تشکیل جامعه ملل پس از پایان جنگ جهانی اول و کنفرانس پاریس را می توان نخستین تلاش فراگیر برای تشکیل یک مرجع بین المللی به منظور حل اختلافات و پیشگیری از بروز جنگ گسترده دیگر دانست. در این دوره اهمیت قدرت اقتصادی صنعتی و افول اهمیت استعمار به عنوان یک مؤلفه مهم در قدرت اقتصادی و ملی اقداماتی مانند کاهش محدودیت های تجاری و مقابله با اختلال در آزادی عبور و مرور در دریاها را ناگزیر می ساخت. از سویی گسترش آگاهی های ناشی از توسعه آموزش و رسانه ها در جهان اهمیت دیپلماسی پشت پرده برای حل تنش های استعماری و درعین حال تلاش برای برتری نظامی از طریق مسابقه تسلیحاتی به عنوان ضامن رشد اقتصادی را نیز برجسته می کرد. این شرایط مستلزم حل اختلافات مرتبط به تمامیت ارضی، حل

<sup>۱</sup> جنگ کریمه، از اکتبر ۱۸۵۳ تا آوریل ۱۸۵۶ بین روسیه با فرانسه، انگلستان، عثمانی، ساردنی (ایتالیا) و ... رخ داد.

<sup>۲</sup> Woodrow Wilson

مسئله استقلال اقلیت‌های قومی در اروپا و خاورمیانه بود. با این حال جامعه ملل به عنوان نهادی برای حل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی به دلیل عدم سازگاری با وضعیت واقعی توازن قوا در جهان نتوانست اهداف خود را محقق کند. عدم پیوستن آمریکا به این جامعه، اخراج شوروی بر اثر حمله به فنلاند و ناتوانی جامعه از وادار ساختن امپراتوری ژاپن به تخلیه منچوری (منطقه‌ای در چین که امروزه قسمت اعظم شمال شرقی چین را تشکیل می‌دهد)، بی‌توجهی حمله ایتالیا به حبشه و عدم پیوستن آلمان نازی به کنفرانس خلع سلاح اروپا، به روشنی ناتوانی جامعه ملل از تحقق اهداف خود را نشان می‌دهد. اختلافات موجود در آن دوران سرانجام منجر به بروز جنگ جهانی دوم شد و در پی آن تلاش برای تشکیل نهاد فراگیری با اهداف جامعه ملل و ابزارهای کارآمد منجر به تشکیل نظم جهانی جدیدی شد. تحول ایدئولوژیک جدید پس از جنگ جهانی اول در نتیجه بحران عمیق نظم جهانی حاصل از تشکیل جامعه ملل آغاز شد و در نهایت منجر به بروز جنگ جهانی دوم شد. پس از این جنگ شکاف ایدئولوژیک بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری به عاملی تعیین‌کننده برای نظم نوین جهانی تبدیل شد.

### تشکیل نظام دو قطبی تا فروپاشی شوروی

بعد از جنگ جهانی دوم نظام حاکم از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ میلادی بر اساس نظام دو قطبی، بر آمریکا و شوروی سابق، متکی بود. تشکیل سازمان ملل با اعطای حق و تو به اعضای دائم شورای امنیت، اختیارات گسترده این شورا برای اعمال قدرت نظامی و تحریم بر سایر کشورها به استثنای اعضای دائم، از میان رفتن استعمار و اهمیت اصل تعیین سرنوشت از مهم‌ترین پیامدهای جنگ جهانی دوم در عرصه بین‌الملل بود. از سویی در عرصه توازن قوا شاهد افول قدرت کشورهای اروپایی و ظهور آمریکا و شوروی به عنوان قدرت‌های برتر نظامی و اقتصادی و تلاش آن‌ها برای سیطره بر جهان بودیم. در این دوران دو قطب مهم یعنی قدرت‌های غربی با رهبری آمریکا و کشورهای کمونیستی با رهبری اتحاد شوروی وارد رقابت گسترده‌ای شدند که از آن به جنگ سرد تعبیر می‌شود. سال ۱۹۹۰ میلادی یکی از این دو قطب فرو پاشید و خود به پانزده کشور مستقل با نظام‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون تقسیم شد. پس از این اتفاق سوال این بود که نظام حاکم بر روابط کشورها در جهان چگونه خواهد بود؟ آیا جهان شاهد نظم جدید یک قطبی، دو قطبی و یا چند قطبی خواهد شد؟ و ....

### تشکیل نظم جهانی تک‌قطبی تا ظهور نشانه‌های افول

دوران نظام دو قطبی با فروپاشی شوروی به پایان رسید. آمریکا با فروپاشی شوروی و خروج آن از صحنه معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای، آزادی و قدرت عمل گسترده‌ای در خاورمیانه بدست آورد (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۷). در این دوره ایالات متحده قدرتمندترین دولت در عرصه‌ی نظام بین‌الملل بود. با پایان یافتن منازعات ایدئولوژیک شرق و غرب، گویی تاریخ به پایان خود رسیده بود، لحظه تک‌قطبی<sup>۱</sup> فرا رسیده بود و تمام رقبای امنیتی ایالات متحده دیگر توان رقابت در قامت یک قدرت جهانی را نداشتند (کریمی، موسوی شفائی، اسلامی و همکاران، ۵۸:۱۴۰۱) جرج بوش<sup>۲</sup> رئیس‌جمهور وقت آمریکا سال ۱۹۹۰ و پس از شکست عراق در جنگ کویت (به این جنگ، جنگ نفت، جنگ دوم خلیج فارس و جنگ خلیج فارس هم گفته می‌شود) به وسیله آمریکا و متحدانش، نظم نوین جهانی را مطرح نمود. در ۲۱ شهریور ماه سال ۱۳۶۹ شمسی و پیش از نشست مشترک گنگره آمریکا (آذرنگ، ۵۰:۱۳۸۰) اسقرار یک نظم نوین را پس از فروپاشی شوروی سابق مطرح و اعلام نمود: نظم نوین جهانی منوط و وابسته به رهبری آمریکا، قدرت آمریکا و ارزش‌های آمریکا است (سیف‌زاده، ۱۱۴:۱۳۷۴). وی همچنین در کنگره آمریکا برای نظم نوین ادعایی خود چهار هدف را ذکر کرد که عبارتند از: ۱- خاتمه دادن به اختلافات از طریق روش‌های مسالمت آمیز ۲-

<sup>1</sup> End of History

<sup>2</sup> Unipolar Moment

<sup>3</sup> George Bush

اتحاد علیه زور و تروریسم ۳- کاستن و کنترل زرادخانه ها و سلاح های اتمی ۴- رفتار عادلانه همه ملت ها (حقیقت، ۱۳۷۸:۲۱) علاوه بر این جرج بوش در نظریه خود در خاور میانه، یعنی منطقه حساسی که جمهوری اسلامی در آن قرار دارد چهار هدف را بیان کرد که عبارت بودند از: ۱- حل و فصل مناقشات منطقه ای ۲- اعمال کنترل تسلیحاتی در منطقه ۳- ترتیبات جدید امنیت منطقه ای ۴- ترغیب دموکراسی عدالت اجتماعی و شکوفایی اقتصادی (همان، ۲۲)

اهداف اصلی مطرح شده توسط رئیس جمهور وقت آمریکا از نظر شکلی، جهان شمول و مورد پذیرش جامعه جهانی می باشد. اما اهداف خاور میانه ای آمریکا در راستای منافع هژمونی و یک جانبه گرایی ایالات متحده به سمت: الف- کنترل کامل منابع انرژی ب- تثبیت رژیم صهیونیستی ج- سرکوب و براندازی کانون های بنیاد گرایانه (الماسی، ۱۴۰۱) د- استفاده از ترفند جنگ روانی، با استفاده از شبکه های اجتماعی و رسانه ای؛ سوق یافته است. هدف جنگ روانی و رسانه ای آمریکا که با وجود فناوری اطلاعات و شبکه های اجتماعی اجرای آن تسهیل شده منحرف کردن افکار عمومی از نگاه کلان به مسائل جهانی است. انحراف افکار عمومی از این مسئله می تواند شکست هژمونی ایالات متحده را به تأخیر بیندازد تا آنها بتوانند جایگاه خود را در نظم جدید بازسازی نمایند. نظام سلطه به رهبری آمریکا همواره تلاش کرده این گونه القاء کند که همه ی راه های پیشرفت و توسعه به لیبرال دموکراسی ختم می شود؛ اما امروز کشورهای زیادی از جمله چین، روسیه، ایران و دیگر کشورهای مستقل دنیا این ادعا را زیر سؤال برده و ثابت کرده اند دنیای تک قطبی دیگر جایی در نظام بین الملل ندارد.

آمریکا در منطقه خاورمیانه دارای دو دسته علایق ذاتی و ثانوی است. علایق یا منافع ذاتی آمریکا در خاورمیانه شامل نفت و اسرائیل است ولی منافع ثانوی این کشور با مرور زمان، تعیین و دچار تحول می شود. به عنوان نمونه وقوع انقلاب اسلامی ایران، جنگ عراق و کویت منافع ثانوی آمریکا را در خلیج فارس و خاورمیانه دست خوش تحول کرد. اما حتی پایان جنگ سرد (اسدیان، ۱۳۸۱:۳۳) هم منافع ذاتی آن را تغییر نداده است. به طور کلی، سه محور و کانون حساس و مهم علایق آمریکا در خاورمیانه همواره نفت، ژئوپلیتیک خاورمیانه و حمایت از رژیم غاصب اسرائیل بوده است (لویمی، کرمی نیا، انصاری مقدم، ۱۴۰۰:۵).

### نشانه های تغییر و تحول در نظم نوین جهانی

تغییر در هندسه جهانی و گرایش جهان به سمت نظم نوین جهانی جدید نماد و نشانه های مختلفی دارد که در این گفتار برخی از مهم ترین نشانه ها را به اختصار بررسی می نمایم: ۱- حمله روسیه به اوکراین: قضایای جنگ اخیر اوکراین را باید عمیق تر و در چارچوب شکل گیری نظم جدید جهانی دید که احتمالاً فرآیندهای پیچیده و دشواری، در پی آن شکل خواهد گرفت که در چنین شرایط جدید و پیچیده ای وظیفه همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی حضور سخت افزاری و نرم افزاری در این نظم جدید به منظور تأمین منافع و امنیت کشور و به حاشیه نرفتن است (خامنه ای، ۱۴۰۱/۲/۶). ۲- افول و انزوای ایالات متحده آمریکا: امروز جهان در آستانه یک نظم جدید بین المللی است که این نظم، بعد از دوران نظم دو قطبی جهان، و نظریه نظم جهان تک قطبی در حال شکل گیری است که البته در این دوره آمریکا روز به روز ضعیف تر شده است. (خامنه ای، همان) افول آشکار آمریکا را می توان در الف- مشکلات بی سابقه داخلی آمریکا در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی تا اختلافات و دو دستگی های خونین داخلی آمریکا ب- خطای محاسباتی آمریکا در مسائل دنیا ج- رأی مردم به افرادی همچون رئیس جمهور فعلی و رئیس جمهور قبلی (در دوره قبل رئیس جمهوری همچون ترامپ انتخاب شد که همه او را دیوانه می دانستند و در دوره فعلی نیز رئیس جمهوری بر سر کار می آید که همه، وضعیت او را می دانند) مشاهده کرد (خامنه ای، ۱۴۰۱/۸/۱۱). به نظر آلفرد مک کوی فرایند شتابان اضمحلال آمریکا تا سال ۲۰۲۵ کامل می شود. وی بزرگترین عامل سقوط آمریکا را سیاست های نظامی گرایانه آن در جهان می داند. (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۱۸۷) ۳- انتقال قدرت به آسیا ۴- گسترش ایدئولوژی مقاومت و توسعه میدان های آن. ۵- کشورهای

آسیایی به راحتی به روسیه و چین نزدیک می‌شوند؛ بدون آن که از سوی آمریکا تهدید شوند. ۶- ذی‌نفعان اصلی جنگ اوکراین، کشورهایی با قدرت میانی هستند که می‌توانند از نظم فعلی جدا شده و قدرت خود را تثبیت کنند. ۷- ایران به توافق هسته‌ای یک جانبه، احترام نخواهد گذاشت. ۸- ژاپن به دنبال قدرت نظامی است و بخشی از تولدی ناخالص خود را به این کار اختصاص داده است. ۹- جنگ اوکراین راه را برای حمله چین به تایوان باز کرده و چین از منابع قدرت برجسته‌ای بهره می‌برد. ۱۰- معاملات تجاری با ارزهایی غیر از دلار انجام می‌شود. ۱۱- مجموع تولید ناخالص داخلی G7<sup>۱</sup> همچنان کمتر از ۴۰ درصد جهانی است. ۱۲- قدرت‌های نوظهور اقتصادی، سیاسی، نظامی در شرق: کشورهایی مانند چین و اتحادیه‌های اقتصادی مانند «آ. سه. آن» نیز در شکل دهی به معادلات جهانی سهم چشم‌گیری دارند. ۲ و...

### تحول نمادها و راهبردهای ایران در نظم نوین جهانی

در این گفتار از تحقیق نمادهای ایران در نظم نوین جهانی را به دو بخش قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی تقسیم می‌نماییم.

#### الف- راهبردهای قبل از انقلاب: ۱- حضور مداخله جویانه قدرت‌های غربی ۲- نقش برجسته پادشاهی و استبداد ۳-

کاستن از نقش مذهب در فرهنگ اجتماعی و سیاسی (گرایش سکولاری) ۴- تأکید بر همسویی با نظم جهانی مورد انتظار غرب ۵- حل منازعات فرقه‌ای و منطقه‌ای با تکیه بر غرب

#### ب- راهبردهای بعد از انقلاب: ۱- مقابله با نقش مداخله جویانه قدرت‌های بیگانه در کشور ۲- مهار نفوذ قدرت‌های

بیگانه در منطقه ۳- افزایش اسلام‌گرایی و ارائه الگوی مردم‌سالاری بر پایه دین ۴- افزایش نقش مردم در حکومت ۵- تأکید بر هویت دینی، ملی و منطقه‌گرایی ۶- حل منازعات از طریق درون‌گرایی و قدرت منطقه‌ای ۷- حمایت، هدایت و رهبری محور مقاومت

نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۴/۱۶) در دنیای جدید ایران چه کاره و در چه جایگاهی است. ایران به علت برخورداری از خصوصیات برجسته‌ای همچون «نیروی انسانی با هوش و با استعداد»، «منابع طبیعی متنوع و فراوان»، «موقعیت جغرافیایی حساس و ممتاز» و از همه مهمتر «منطقه‌الای حکومتی و تمدنی» می‌تواند جایگاه برجسته‌ای در نظم جدید داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۸/۱۱).

### نتیجه‌گیری

از دوران صلح و ستفالی تا فروپاشی شوروی توازن بین قدرت‌ها به دلیل عوامل متعددی برهم خورده و هسته اصلی برقراری توازن قوا معیار قدرت نظامی بوده است. از این رو شاهد فروپاشی نظم قدیم و ظهور نظم جدید بوده‌ایم. جنگ جهانی اول و پیامدهای آن بروز و ظهور ایدئولوژی‌ها و مکتب‌های سیاسی مثل کمونیسم، فاشیسم، نازیسم و ... بحران اقتصادی جهان، جنگ جهانی دوم، تقسیم جهان به دو بلوک غرب و شرق، تاسیس سازمان ملل متحد، اتحادیه و پیمان‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی، پدیده جنگ سرد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور نظام تک قطبی، انقلاب‌های روسیه، چین، کوبا، الجزایر، ویتنام، ایران نیکاراگوئه و ... جنگ‌های کره، ایران و عراق، جنگ خلیج فارس، جنگ اوکراین و ... از جمله مهم‌ترین این تحولات می‌باشد. نظم جهانی ایجاد

<sup>۱</sup> آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، آمریکا، انگلیس و کانادا

<sup>۲</sup> <https://www.mehrnews.com/news/5484792>

شده پس از جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ یعنی به مدت ۴۵ سال دوام آورد، زمانی که نسبت به دوره های پیشین کمی طولانی تر است. خلاءهای عدم حاکمیت اخلاق بر نظم نوین جهانی، عدم وجود ارزش های ایدئولوژیک مشترک، تفسیر جدید حاکمیت برای قدرت های مطرح، عدم اجماع بر یک مفهوم نوین از حقوق بین الملل، فقدان اصل عدم مداخله در امور یکدیگر و تعهد به وظیفه قانونی و... باعث شده که نظم جهانی به ثبات نرسد و دوره های کوتاهی را سپری نماید.

تحولات نظم جهانی در طول تاریخ بر قدرت نظامی و جنگ استوار بوده که توسعه علوم و تبدیل آن به فناوری های نظامی منجر به تغییرات پی در پی در نظم جهانی شده است. از طرفی نشانه های آمادگی تغییر و تحول در نظم نوین جهانی نیز پدیدار شده که در مبحث مربوطه مختصر به شرح آن پرداختیم. قدرت نظامی و جنگ ها در بعد شکلی و ماهوی متحول شده و با ظهور رهیافت های جدید علوم شناختی<sup>۱</sup>، عصر اطلاعات به عصر شناخت یا انقلاب تغییر کرده است. حوزه جدیدی تحت عنوان جنگ شناختی<sup>۲</sup> بر مبنای جنگ ترکیبی<sup>۳</sup> (هیبریدی)<sup>۴</sup> پا به عرصه حیات گذاشته که میدان نبرد آن ذهن و مغز انسان ها شده و امکان تسخیر ذهن افراد را از تخیل به واقعیت تبدیل نموده است. تحمیل اراده جنگ شناختی در سه مرحله ی تغییر باورها، جایگزینی ارزش ها با ضد ارزش ها و تغییر رفتار هدف گذاری می گردد. سلاح برجسته این جنگ شناخت محور و فناور پایه، اطلاعات و رسانه است به نحوی که برخی تکنیک ها و ابزارهای آن نه تنها قادرند جنگی تحت عنوان جنگ تبلیغاتی و رسانه ای راه بیاندازند بلکه در سایر جنگ ها مانند جنگ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با میدان داری قدرتی خارج از قواعد و ضوابط بین المللی اعمال می کنند که سطح گسترده ی آن زمینه ساز نظم نوین جهانی خواهد شد. شبکه های اجتماعی، رسانه و ... در دسترس اغلب کشورها و افراد جامعه وجود دارد. این دسترسی ویژگی دیگری برای قدرت شبکه های اجتماعی رقم می زند که همان سرعت بالا می باشد. بنابراین، برخلاف گذشته که اغلب قدرت نظامی محور تعیین کننده تحولات نظم نوین جهانی بود شاخص های جدید و مهم تری در حوزه جنگ شناختی مختلف می توانند به تعریف روند تغییر موازنه قدرت کمک کنند. شبکه های اجتماعی، هوش مصنوعی و ... جزء معیارهای کلیدی نظم نوین جهانی قرار گرفته اند. امروزه گروه های هم فکر و دارای منافع مشترک، بدون مرزهای جغرافیایی به وجود می آیند. این گروه ها در عین پراکندگی سرزمینی جوامع نوین و متداخلی را تشکیل می دهند. در واقع مفهوم معیار مهم تعیین هندسه جهانی که اغلب قدرت نظامی بود متحول شده و جای خود را پس از قدرت نرم به قدرت هوشمند یا جنگ شناختی داده است. بدین سبب رسانه های ارتباط جمعی و به ویژه شبکه های اجتماعی، در عصر حاضر نقش کلیدی در عرصه تغییر و تحولات جهانی بر عهده دارند و این وسایل منشأ بسیاری از تحولات معاصر، راهنما و کنترل کننده جریان ها و تحولات در جهانی شدن محسوب می شوند. به دلیل گستردگی حوزه فعالیت شبکه های اجتماعی مجازی در جوامع امروزی و نیز برخورداری این پدیده از ویژگی سیال بودن و حرکت پویا مدارانه، لازم است که همگام با رشد و تکامل تکنولوژیکی و محتوایی شبکه های اجتماعی مجازی، در ابعاد مختلف، به ویژه نقش آنها در تحولات نظم نوین جهانی، در عصر جهانی شدن مطالعات بیشتری صورت بگیرد.

<sup>۱</sup> Cognitive Science

<sup>۲</sup> Cognitive warfare یا جنگ شناختی: یکی از اصطلاحات نوین در علوم نظامی، سیاسی، رسانه ای و ... محصول نگاهی جامع به تحولات حوزه جنگی و شکل گیری جنگ ترکیبی در نسل پنجم (جنگ سخت، جنگ نیمه سخت، جنگ سرد، جنگ نرم و جنگ ترکیبی و شناختی) جنگ ها است.

<sup>۳</sup> مفهوم جنگ ترکیبی و شناختی اکنون در دنیا به عنوان یک جنگ واقعی مطرح و پذیرفته شده است. تعریف تهدید ترکیبی در لغت نامه مصوب ناتو (۲۰۱۹) نوعی از تهدید است که فعالیت های متعارف، نامنظم و نامتقارن را در زمان و مکان ترکیب می کند (حبیبی، ۱۴۰۰: ۱۰۲). کنفرانس امنیتی مونیخ سال ۲۰۱۵ نقطه عطفی در پذیرش جنگ هیبریدی در جایگاه مدلی جنگی بود. این کنفرانس چنان اعتباری یافته که به آن «داووس امنیتی» می گویند. در این کنفرانس گفته شد جنگ های ترکیبی در بردارنده مؤلفه های مختلف جنگی است؛ جنگ اقتصادی، حمله سایبری، جنگ با نیروهای منظم، جنگ های نامنظم (چریکی)، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی، حمایت از ناآرامی های داخلی و دیپلماسی، هشت مؤلفه ارائه شده درباره جنگ ترکیبی بوده است (ایشنگر، ۲۰۱۵: ۵۵). ناتو طی سال ۲۰۲۰ پنج حوزه جنگی را برای اعضای این ائتلاف نظامی تعیین کرد که به ترتیب عبارت بودند از زمین، هوا، دریا، فضا و حوزه سایبری، اخیراً حوزه جدیدی نیز به این حوزه ها اضافه شده که «جنگ شناختی» نام دارد (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۲)

<sup>۴</sup> Hybrid warfare

اگر نظم نوین بر پایه عدالت، صلح، مردم سالاری، توسعه حقوق بشر، قوانین بین‌المللی استوار گردد و بکوشد میان نظم حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی جهان یک توازن پایدار ایجاد کند، می‌توان به آینده آن امیدوار بود. ایران با توجه به موقعیت‌های خاص خود از منظر نظم نوین جهانی باید تلاش کند چالش‌های این مسیر دشوار از قبیل قدرت هوشمند و شبکه‌های اجتماعی را شناسایی و با اتکا به ظرفیت‌های موجود به یک فرصت تبدیل و در نظم جهانی جدید به جایگاهی در شأن و منزلت خود برسد و سپس بر اساس راهبردهای سیاسی و ایدئولوژیکی خود قدرت و موقعیت خود را در هندسه نظم جدید جهانی تثبیت نماید.

## منابع

- ۱- آشفته‌تهرانی، امیر (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی جهانی شدن، تهران: انتشارات دانژه #
- ۲- آقا بخش، علی (۱۳۷۴) فرهنگ علوم سیاسی، مرکز مدارک ایران، تهران #
- ۳- اسدیان، امیر (۱۳۸۱) سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی #
- ۴- الماسی، رضا (۱۴۰۱) افول آمریکا سرآغاز هندسه جدید عالم، روزنامه کیهان، ۱۶ آذر #
- ۵- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۸)، گفتگوی تمدن‌ها و برخورد تمدن‌ها موسسه فرهنگی طه، قم #
- ۶- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳)، بیانات معظم له در دیدار با کارگزاران نظام در شانزدهم تیرماه #
- ۷- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱) بیانات معظم له در دیدار با دانشجویان در ششم اردیبهشت ماه #
- ۸- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱) بیانات معظم له در دیدار با دانش‌آموزان در یازدهم آبان ماه #
- ۹- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰) پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، نشر آگه، تهران #
- ۱۰- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳)، اسلام و جهانی شدن، کتاب نقد، س ششم، ۲۴-۲۵ #.
- ۱۱- سلیمی، حسین (۱۳۸۴) فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه #
- ۱۲- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۳)، سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا در برابر چالش‌های ضد هژمونیک فصلنامه خاورمیانه، سال ۱۱ شماره یک #
- ۱۳- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۳) نظم نوین جهانی: دوران گلابه به تلفیق فردگرایی با جمع‌گرایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی شماره ۳۳ #
- ۱۴- شهرام‌نیا، سیدامیر مسعود (۱۳۸۶) جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران: نشر نگاه معاصر #
- ۱۵- عبدالهی، محسن (۱۳۹۷) چالش‌های اساسی در گذار از نظم نوین جهانی: فرا یک‌جانبه‌گرایی و ظهور چین در نقش قدرت جدید؛ فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۸۳-۲۰۲ #
- ۱۶- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۶) فرهنگ اقتصاد بازرگانی، تهران: انتشارات رسا، #
- ۱۷- کریمی، حمید رضا؛ موسوی شفائی، سید مسعود؛ اسلامی، محسن؛ اسدی، علی اکبر (۱۴۰۱) پویایی‌های نظم در سطح جهانی - منطقه‌ای و دگردیسی نقش کنشگران منطقه‌ای خلیج فارس مطالعه موردی: امارات متحده عربی فصلنامه ژئوپلیتیک سال هجدهم، شماره دوم، تابستان #
- ۱۸- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی. #
- ۱۹- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) چشم اندازه‌های جهانی، ترجمه محمد رضا جلالی پور، تهران: طرح نو #
- ۲۰- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر مرکز #
- ۲۱- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳) تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان و ستفالی تا امروز، تهران: چاپ قومس #

تحولات نظم جهانی با تأکید بر نقش شبکه های اجتماعی و جایگاه ایران در هندسه نظم نوین جهانی / ۱۲۱

۲۲- ویلیامز، مارک (۱۳۷۹) بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵. #

23- Castle. Manael. (1998). The Network Jaliety. London. Bbackwell.#

24- <https://farsi.khamenei.ir#>

25- <https://www.mehrnews.com/news/5484792#>

26- <https://kayhan.ir/fa/news/253010#>

27- <https://article.tebyan.net/237487#>

28- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2011504#>

29- <https://www.mashreghnews.ir/news/1368745#>

۳۰- حبیبی، ابراهیم (۱۴۰۰) بازنگری جنگاوری های نو پدید از درون اسناد نظامی (مطالعه جنگاوری ترکیبی و نامتعارف در اسناد امریکا، ناتو، فرانسه و انگلستان)، مجله سیاست دفاعی، سال سی ام، بهار، شماره 114، صفحه ۱۲۹-۹۳

۳۱- سلطانی، فرزاد، محمدی منفرد، حسن، جاودانی مقدم، مهدی (۱۴۰۱) بررسی کاربرد جنگ شناختی در حوزه های عملیاتی سازمان ناتو، فصلنامه محیط شناسی رهبردی ج.ا.ایران، سال ششم، شماره ۴ صفحه ۱۷۸-۱۵۳.

32- Ischinger, W. (2015). Collapsing Order, Reluctant Guardians. Munich Security Report.